اخبار

«دختر ماه» روایت زندگی حضرت معصومه(س)

سارا عرفانی، نویسنده جوان و انقلابی کشور درباره فعالیت‌های اخیر خود در عرصه نویسندگی گفت: در حال حاضر نگارش کتابی بر مبنای داستان زندگی حضرت معصومه(س) را به پایان رسانده‌ام که به امید خدا بزودی توسط نشر مدرسه راهی بازار خواهد شد. به گزارش میزان، وی افزود: این کتاب را برای گروه سنی نوجوانان نوشته‌ام و به امید خدا با نام «دختر ماه» به دست خوانندگان خواهد رسید. عرفانی اظهار داشت: در این کتاب سعی کرده‌ام به کودکان و نوجوانان نزدیک شوم و همین نزدیکی باعث شد نتوانم چندان از تکنیک‌های نویسندگی استفاده کنم چون درباره اینگونه آثار روان و سلیس بودن از تکنیک مهم‌تر است زیرا باید بتوانیم به‌راحتی با کودک و نوجوان ارتباط برقرار کنیم. این نویسنده جوان پرداختن به مساله حجاب را از اولویت‌های خود خواند و تاکید کرد: در این کتاب بخش ویژه‌ای را به مساله حجاب اختصاص دادم. آن حضرت بزرگوار ازدواج نکردند اما همواره کودکان شهدای شیعه را به فرزندخواندگی قبول می‌کردند و بسیار کودکانی بودند که در دامان پاک آن حضرت پرورش می‌یافتند. من هم سعی کردم تاثیری که حضرت معصومه(س) بر این کودکان می‌گذاشتند را بسیار روان و به دور از شعار در این کتاب بیاورم.

■■■

افتتاح تبلیغاتی شبکه ملی اطلاعات

مدیرعامل مجمع فعالان فضای مجازی گفت: متاسفانه افتتاح شبکه ملی اطلاعات در کشور تنها جنبه تبلیغاتی دارد و به دلیل نبود زیرساخت‌های لازم مردم نمی‌توانند مزیت‌های این شبکه را به نحو شایسته درک کنند. به گزارش گرداب، مهدی صرامی افزود: طبق قانون طرح شبکه ملی اطلاعات باید از سوی دولت تدوین و در شورایعالی فضای مجازی مصوب شود. وی با بیان اینکه شورایعالی فضای مجازی بالاترین نهاد سیاست‌گذار در حوزه فضای مجازی است، اظهار داشت: قانون، اجرای طرح شبکه ملی اطلاعات از سوی دولت را به تصویب شورای مورد نظر منوط کرده که متاسفانه در اجرای طرح مزبور این روند طی نشده است. مدیرعامل مجمع فعالان فضای مجازی گفت: دولت تاکنون طرح جامعی تحت عنوان شبکه ملی اطلاعات به شورایعالی مجازی ارائه نکرده است. وی افزود: شبکه ملی اطلاعات یک شبکه بسیار مهم است و در عین حال می‌تواند فضای مجازی را از همه لحاظ به یک فضای فرصت‌ساز تبدیل کند. صرامی گفت: بی‌توجهی به شبکه ملی اطلاعات باعث از دست دادن ظرفیت‌های اقتصادی در جامعه می‌شود. وی تصریح کرد: شبکه ملی اطلاعات باعث افزایش سرعت اینترنت با توجه به گردش اطلاعات در داخل کشور و کاهش هزینه استفاده از اینترنت به یک‌هشتم قیمت فعلی خواهد شد.

■■■

احیای جایزه قیصر امین‌پور

جایزه کتاب سال شعر جوان موسوم به جایزه قیصر امین‌پور در سال جاری بار دیگر اهدا می‌شود. به گزارش مهر، خانه شعر جوان پس از برگزاری ۵ دوره از جایزه کتاب سال شعر جوان موسوم به جایزه قیصر امین‌پور و توقف اهدای این جایزه، در سال جاری این جایزه را با تغییراتی دوباره برگزار و برگزیدگان را معرفی می‌کند. در فراخوان این دوره از این جایزه عنوان شده است که دفتر شعر جوان با انگیزه شناسایی و معرفی استعدادهای جوان عرصه شعر به جامعه ادبی کشور و تقدیر و حمایت از آنان و با هدف اعتلای شعر امروز، نخستین دوره از سری جدید جایزه کتاب سال شعر جوان را برگزار می‌کند. هر یک از شاعران در سراسر کشور برای بررسی آثارشان در این مجموعه باید ۵ نسخه از کتاب خود را که در سال گذشته منتشر شده باشد حداکثر تا پایان شهریور به خانه شهر جوان ارسال کنند. آخرین دوره جایزه کتاب سال شعر جوان موسوم به جایزه قیصر امین‌پور در سال ۱۳۹۱ اهدا شده بود.

■■■

مسعود رایگان در «پاهای بی‌قرار»

مسعود رایگان بازیگر پیشکسوت تلویزیون، سینما و تئاتر درباره کار جدیدش در تلویزیون به صبا گفت: قرار است در سریال «پاهای بی‌قرار» منوچهر هادی بازی کنم. به گزارش صبا، وی ادامه داد: وقتی فیلمنامه این کار را خواندم بسیار ترغیب شدم در این مجموعه بازی کنم. این سریال از معدود فیلم‌هایی است که نمی‌توان آخرش را حدس زد. خود من هم هنوز نمی‌دانم پایان این مجموعه چه می‌شود. گفتنی است مجموعه «پاهای بی‌قرار» به کارگردانی منوچهر هادی در مرحله پیش‌تولید به سر می‌برد. مسعود رایگان پیش از این بازی در سریال‌هایی مانند: «شمس‌العماره »، «مدار صفر درجه»، «سقوط یک فرشته»، «در مسیر زاینده‌رود»، «خسته‌دلان»، «معمای شاه» و « نفس» را در کارنامه کاری خود داشت.

نگاهی به فیلم پرتب و تاب «بیست‌ویک روز بعد»

این جنوب‌شهری‌های قهرمان

زینب افراخته: یکی از بحث‌های همیشگی در سینمای ایران، مساله «سیاه‌نمایی» است. هر چند وقت یک بار فیلمی با موضوعی اجتماعی بهانه داغ شدن این بحث می‌شود. فیلم‌هایی که جامعه معاصر ایرانی را غرق در معضلات و بحران‌های متعدد و هولناک اجتماعی نشان می‌دهند. داستان آدم‌هایی که زیر فشارهای محیط اطراف کم‌کم له می‌شوند و در نهایت آنها هم تن به تباهی و پلشتی جامعه می‌دهند اما در این میان، فیلم «بیست‌ویک روز بعد» مسیر دیگری را رفته است.

کسی منکر سیاهی‌های جامعه نیست. مهم منظر روایت این سیاهی‌ها و معضلات است. در «بیست‌ویک روز بعد» ما فقر، بیماری، مرگ، تبعیض، تضاد طبقاتی، فساد و... را می‌بینیم. داستان در منطقه‌ای فقیرنشین و کم‌بهره شهر تهران می‌گذرد. شخصیت اول فیلم، پسر نوجوانی است که پدر خود را از دست داده و مادرش با بیماری سرطان دست به گریبان است. مادری که به خاطر تنگناهای معیشتی مجبور است به‌رغم مریضی، کار کند. پسر، عاشق فیلمسازی است و برای عملی کردن ایده‌هایش نیاز به پول دارد. از طرف دیگر هزینه داروهای بیماری مادر هم بالاست و پسر نوجوان در موقعیتی بحرانی برای حفظ سلامتی مادرش قرار می‌گیرد... . همین چند جمله در شرح اجمالی قصه فیلم کافی است تا بتوانیم طبق کلیشه‌های فیلم‌های سیاه‌نمای مثلا اجتماعی(!) سینمای ایران، باقی داستان را بسازیم. طبق الگو، احتمالا پسر برای رسیدن به پول مورد نیازش باید دزدی کند. مادر داستان هم سراغ تن‌فروشی برود. در نهایت هم با رو شدن دست مادر پیش پسر، عُلقه‌های خانوادگی و مادر- پسری از بین برود و فیلم در یأس و نکبت تمام شود. در کلیشه سینمای سیاه‌نما، هیچ آدم خیر و مثبتی در مجموعه جامعه دیده نمی‌شود. همه آدم‌ها موجوداتی شریر هستند که منتظر فرصتند تا طعمه خود را شکار کنند. همه حقیر، خودخواه و منفعت‌پرست، همه ترسو و اسیر معیشتند. در این فیلم‌ها کاراکترهای داستان هیچ عاملیتی از خود نشان نمی‌دهند و سرانجام همرنگ جامعه کثیفی می‌شوند که آنها را به مذلت نشانده است. اما در فیلم «بیست‌ویک روز بعد» ما روایت دیگری می‌بینیم. آدم‌هایی را می‌بینیم که اگرچه در فقر و بی‌عدالتی روزگار می‌گذرانند اما برای تغییر وضع موجود تلاش می‌کنند. جنوب شهری‌هایی را می‌بینیم که اهل جنگیدن برای زندگی‌اند و پاک و مغرور. بچه‌های نوجوانی که عاشق خانواده‌اند و جنم و عرضه و هوش‌شان را خرج اهل خانه‌شان می‌کنند. در این فیلم آدم‌های متدین و اهل ذکری را می‌بینیم که برخلاف کلیشه‌های رسانه‌ای، خرافات‌زده و منفعل و دروغگو(!) نیستند. آدم‌هایی که به‌رغم بیماری و درد، برای تامین معیشت بچه‌های‌شان کار می‌کنند، عقب نمی‌نشینند و وا نمی‌دهند. امید محرک کُنش‌های شخصیت‌های داستان است و این معجزه امید است که آدم‌ها را در برابر بن‌بست‌های زندگی مقاوم می‌کند. این فیلم ثابت کرد که می‌شود فیلم اجتماعی ساخت اما به ورطه سیاه‌نمایی نیفتاد و پمپاژ یأس نکرد. اما غیر از مضمون و محتوای فیلم، «بیست‌ویک روز بعد» با متر و مقیاس‌های فرمی هم اثری موفق است. همین که می‌شود آن را تا آخر دید و قصه و روایت فیلم آنقدر کشش دارد که تماشاچی را بدون اینکه خسته و ملول شود تا پایان در سالن نگه دارد، یعنی کارگردان کارش را بلد بوده است. اگرچه معدل بازی بازیگران در این فیلم چندان قابل قبول نیست و بازی‌ها می‌توانست به مراتب بهتر و قوی‌تر باشد اما اینکه فیلمی بدون استفاده یا در واقع سوءاستفاده از جذابیت حضور سلبریتی‌ها توانسته با اقبال عمومی مواجه شود، جای تحسین دارد.

محمدرضا خردمندان، کارگردان «بیست‌ویک روز بعد» نشان داده که نگاه و موضعی همدلانه به مستضعفان دارد و آنها را به مثابه موجوداتی اضافی و خطرناک برای جامعه نمی‌بیند. طبقاتی که یا عملا از سینمای ما حذف شده‌اند یا به عنوان آدم‌هایی درجه ۲ و قابل ترحم و محتاج نجات به تصویر کشیده شده‌اند. قهرمانان فیلم خردمندان مستضعفانی هستند که برای ادامه زندگی مقاومت می‌کنند. برای زندگی‌ای که خطیر است و انسان را هر لحظه به مبارزه دعوت می‌کند. زندگی‌ای که در آن بعد از کشتن و از میان بردن هر غولی باید برای جنگ با غول بزرگ‌تر آماده شد. زندگی‌ای که با مخاطره عجین است. و «بیست‌ویک روز بعد» روایت همین زندگی خطیر است.

***

«بیست‌ویک روز بعد» اثری از کارگردان جوان، محمدرضا خردمندان است که در اولین اثر بلند سینمایی خود مرز بین واقعیت و خیال را می‌شکند و روایت خلاقانه‌ای را در دنیای نوجوانان رقم می‌زند. اگرچه شخصیت‌های اصلی «بیست‌ویک روز بعد» نوجوان هستند، اما این نوجوانان مجبورند خیلی زود بزرگ شوند و دنیایی فراتر از سن‌شان را تجربه کنند و بی‌شک مخاطب آنها از کودکان تا بزرگسالان را در بر می‌گیرد. اثری اکشن، تخیلی و معمایی و در عین حال معناگرا که پیش از این در سینمای ایران جایگاهی نداشته اما توانسته بخوبی در فیلم خردمندان متبلور و باورپذیر شود. هرچند در جشنواره فجر اکران «بیست‌ویک روز بعد» به روز و ساعات پایانی جشنواره موکول شد و تنها در بخشی نامزد بهترین فیلم شد که اتفاقا نقطه ضعف آن محسوب می‌شد و به نظر می‌رسید که داوران خود را از دیدن این فیلم محروم کرده‌اند. اما بیست‌ویک روز بعد در جشنواره فیلم کودک و نوجوان خوش درخشید و توانست جایزه‌های اصلی را نصیب خود کند. این فیلم هم‌اکنون بر پرده سینماست و استقبال از آن هنوز ادامه دارد. در خلاصه داستان بیست‌ویک روز بعد نوشته شده: «همیشه همینجوریه! آخرین بار هوا ابری شد. باد گرفت. درختا داشتن از جا کنده می‌شدن. اونقدر بارون شدید شد که سیل شهرو گرفته بود. پرنده‌ها دور و بر لونه‌هاشون جیغ می‌کشیدن. یکی از بچه‌ها قسم می‌خورد خودش دیده خورشید یکی دو بار نورش کم و زیاد شده...!»

■■■

سینما

واکنش‌ها به اقدام کودکانه جعفر پناهی ادامه دارد

شعور هم چیز خوبی است!

گروه فرهنگ و هنر: حاشیه‌های یازدهمین جشن منتقدان آنچنان زیاد بود که به طور کلی متن آن را تحت تاثیر خود قرار داد. از گلایه‌های تند جمشید مشایخی تا بحث‌هایی که آتش حاشیه را در جشن منتقدان داغ‌تر می‌کرد. البته جمشید مشایخی که به نظر می‌رسید اظهارنظرش مبنای احساساتی داشته تا هدفی برای ایجاد تشویش در جشن، روز گذشته با بیان اینکه حال جسمانی خوبی نداشته و اگر می‌دانست قرار است این همه ماجرا پیش بیاید محال بود چیزی بگوید، اظهار داشت: شنیدم چند سایت در واکنش به حرف‌های من به آقای انتظامی بد گفتند. خیلی غمگین شدم. کاش مثل این چند دهه دیشب هم سکوت می‌کردم. راضی نیستم احدی به ایشان بد بگوید. به گزارش «وطن امروز»، هرچند حاشیه‌های جمشید مشایخی با اظهار پشیمانی این استاد پایان پذیرفت، اما یکی از حواشی برجسته این جشن توسط جعفر پناهی، کارگردان محبوب جشنواره‌های خارجی رقم خورد. او در اقدامی ناشایست و غیرحرفه‌ای و برخلاف شعارهای روشنفکری، زمانی که روی سن بود و فهمید که بناست از محمدحسین مهدویان کارگردان «ماجرای نیمروز» تقدیر شود، از سن خارج شد و به‌رغم آنکه یکی از عوامل مراسم که احتمالا آشنایی پیشینی با پناهی داشته با نوازش و خواهش از او می‌خواست که روی سن برگردد اما پناهی مقاومت کرد و به روی سن نرفت. پس از دریافت جایزه توسط مهدویان، او به سمت پناهی که در گوشه سن بود رفت تا از او تشکر کند و دستش را به سوی پناهی دراز کرد اما او روی خود را از او برگرداند و به سمت میکروفن رفت و سخنانی را در هجو سینمای دولتی و بودجه‌های مربوط به آن گفت و همچنین غیردولتی و مستقل بودن خویش را به کنایه مطرح کرد. این در حالی است که جعفر پناهی همواره «بیانیه‌های سیاسی» خود را به عنوان فیلم در جشنواره‌های سیاسی موفق می‌داند و با بستن چشم خویش بر فیلم‌های موفق مهدویان، نه از لحاظ محتوا بلکه در ابعاد فرمی، احتمالا انتظار دارد بودجه‌های دولتی در کنار سرمایه‌های مجهول فیلم‌هایش بنشیند تا شاهد بیگ پروداکشن‌های ضدمیهنی بیشتری باشیم. اما پس از برگزاری جشن منتقدان، واکنش‌های بسیاری نسبت به این اقدام پناهی از سوی رسانه‌ها و اهالی فرهنگ و هنر اتفاق افتاد. جعفر گودرزی، دبیر این دوره از جشن یکی از افرادی بود که نسبت به اتفاقات و حواشی روی داده در مراسم واکنش نشان داد. او به‌رغم تمام حواشی این جشن، تنها یک مساله را موجب ناراحتی و گلایه خویش دانست و آن هم اقدام کودکانه و غیرحرفه‌ای جعفر پناهی بود. گودرزی در بخشی از یادداشت خود نوشته است: «جشن انجمن منتقدان در چارچوب اهداف فرهنگی‌اش، دعوت به همدلی و تحمل یکدیگر و تمرین مدارا، جدا از دیدگاه‌های گوناگون است. متاسفانه برخی از اهالی سینما و رسانه، مستقل بودن را از دریچه ذهنی یکسویه خود معنا می‌کنند. در یک نهاد صنفی، استقلال عمل تعریف خودش را دارد و نباید رویاپردازی کرد». وی در ادامه یادداشت خود اظهار داشت: « نکته دیگر اینکه ما همواره سعی کرده‌ایم آدم‌ها با سلایق مختلف سیاسی زیر پرچم کشور عزیزمان که خون‌بهای صدها هزار شهید از جمله محسن حججی عزیز که شروع جشن امسال هم مزین به نام او بوده است، احترام بگذاریم اما متاسفانه بعضی از همکاران سینمایی به‌رغم اینکه تجربه جشنواره‌های متعدد دور دنیا را دارند به بعضی بدیهیات و ابتدایی‌ترین قواعد اخلاقی و حرفه‌ای سینما نیز احترام نمی‌گذارند». گودرزی در بخش انتهایی یادداشت خود با کنایه به اینکه اکثر پروژه‌ها سرمایه‌گذار داخلی یا خارجی دارند، آورده است: «البته اگر بخواهیم سرک به پشت پرده بیشتر پروژه‌ها بکشیم، ردپایی از یک سرمایه‌گذار اعم از نهادهای داخلی یا اتحادیه‌های بین‌المللی غربی و... در آن دیده می‌شود، اما آنچه در یک جشن مطرح است حفظ حرمت‌ها و توجه به مختصات کیفی آثار منهای پشت صحنه‌هاست. امیدوارم قبل از هر چیز احترام گذاشتن به سلایق و عقاید مختلف را یاد بگیریم». همچنین یکی از مستندسازان در فضای مجازی با گلایه از این اقدام پناهی در صفحه مجازی خود نوشت: «اصل حرفم این است، ای کاش یک بار هم که شده سازمان رسانه‌ای اوج یا دیگر سازمان‌های دولتی که مستقیم و غیرمستقیم با فیلمسازی در ارتباط هستند و شرکت رایان سایپا و دیگر نمایندگی‌های فروش سایپا حتی یک کپی از تصاویر ضبط شده توسط دوربین‌های مداربسته در این مراکز را به رسانه‌ها می‌دادند تا همه با هم می‌دیدیم که چه کسانی برای گرفتن پول و ساختن فیلم از پله‌های سازمان‌های وابسته به دولت بالا و پایین می‌روند... باور کنید اتفاق بدی نخواهد افتاد، فاجعه‌ای هم به بار نخواهد آمد، شاید آنوقت این حلزون‌های خانه به دوش کمتر زبان به کنایه می‌چرخاندند! شاید آنوقت این حضرات که مستقیم یا با چند واسطه پول فیلم‌شان را از دولت می‌گیرند فیلم بازی نمی‌کردند و با محمدحسین مهدویان که یک فیلم شریف ساخته محترمانه برخورد می‌کردند. استاد! آن پول کلانی که گرفتنش را به گردن مهدویان و امثالِ او انداختید در اختیار شما هم بوده و هست، لطفاً یک سکانس از ماجرای نیمروز را بسازید...». همچنین افراد دیگری نیز به سابقه پناهی اشاره کرده‌اند و درباره پیشینه او که اتفاقا به نوعی هم‌دانشگاهی مهدویان محسوب می‌شود، نوشته‌اند: «ایران تنها سرزمینی است که در آن دانش‌آموختگان و فارغ‌التحصیلان تلویزیون حکومتی‌اش، اینچنین ادعای استقلال دارند». گفتنی است جعفر پناهی از دانش‌آموختگان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه صداوسیما است. همچنین سایت سینماپرس با بیان اینکه جعفر پناهی هم مثل رفیق و استادش مخملباف واقعیت را قبول ندارد، استعداد جدید را پذیرا نیست و هنوز در دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ و کانون سیر می‌کند و انگار نه انگار که سرمایه‌گذار فیلم‌های اولش کانون و تلویزیون بودند، در انتقاد از عملکرد منوچهر شاهسواری، مدیرعامل خانه سینما نوشت: «آقای مدیرعامل که کم‌کم برای دبیری جشنواره فیلم فجر آماده می‌شود و از کار کردن فقط آستین‌های کتش بالاست، در تمام ۲ سال گذشته و در تمام مراسم‌های سینمایی سعی کرده با مهدویان در یک قاب عکس باشد و موقع جایزه دادن به مهدویان او را جوری به آغوش کشیده که انگار کاشف مهدویان بوده... اما در مراسم ۲ شب گذشته به‌راحتی این واقعه را نادیده گرفت و با رندی خاصی از این بی‌ادبی و حسادت پناهی گذشت. هرطوری نگاه می‌کنم آقای شاهسواری بیشتر به پناهی و دارودسته‌اش متمایل است تا مهدویان که دارودسته‌اش فقط و فقط استعدادش است. در انتها آقای شاهسواری اذعان کرد نسلش باید از جوان‌های امروزی یاد بگیرد. باید گفت آقای شاهسواری! نسل شما بلد است، آگاه است، نسل شما هیچوقت ۱۱ شغل را با هم مدیریت نمی‌کند، نسل جدید هم این کار را نمی‌کند، پس به نظرم باید گفت بهتر است شما، فقط شما باید از نسل جدید یاد بگیرید، هر چند شما همیشه تهیه‌کننده و مدیر تولید متوسطی بودید و یاد گرفتن در این سن و سال با این همه مشغله دیگر سخت و دیر است». همچنین هادی حجازی‌فر که در جشن منتقدان توانست جایزه بهترین بازیگر مکمل را به دست آورد، در رابطه با حواشی این جشن گفت: «ای کاش این جایزه با برخی حواشی به وجود آمده تلخ نمی‌شد، اما ایرادی هم ندارد. امیدوارم جوانان و عاشقان سینما همچون مهدویان جای تمام این حواشی را با تولیدات بزرگ خود پر کنند». وی با اعلام حمایت از محمدحسین مهدویان تصریح کرد: «مهدویان یکی از استعدادهای بزرگ سینمای ایران است. برخی انتقادات و صحبت‌ها درباره وی مرا بی‌اندازه غمگین می‌کند و امیدوارم محمدحسین بدون توجه به نقدها با قدرت به کار خود ادامه دهد».

دلخوشیم که وزیر اهل کلمه و کتاب است

دکتر محمدمهدی سیار، از اساتید دانشگاه و از شاعران و اهالی ادب در یادداشتی نسبت به وزیر پیشنهادی فرهنگ و ارشاد واکنش نشان داد. وی نوشت: سیدعباس صالحی از معدود وزیران فرهنگ و ارشاد اسلامی خواهد بود که پیش از حضور در این وزارتخانه به عنوان چهره‌ای فرهنگی و علمی شناخته می‌شود، نه کنشگری سیاسی یا امنیتی. در چند بار مصاحبتی که در این چند سال با او دست داده، او را اهل شنیدن و اندیشیدن و تعامل و تأمل یافته‌ام. او نیز با ما هم‌داستان است که ادبیات (هم شعر و هم داستان) در ساختار مدیریت فرهنگی کشور مظلوم و مغفول واقع شده است و باید تحولی اساسی، هم در نگاه مدیران فرهنگی نسبت به ادبیات و هم در ساختار نهادهای فرهنگی (بویژه وزارت ارشاد) برای ارتقای ادبیات کشور پدید آید. اینک امیدواریم او در جایگاه وزیر، مدیریتی تحول‌آفرین داشته باشد و بتواند سازوکارهای موجود را متناسب با نیازهای فرهنگی امروز کشور بازآرایی کند، نه اینکه درگیر نظم بروکراتیک فعلی و حافظ وضع موجود باشد. به هر حال دل‌مان به این یک فقره خوش خواهد بود که وزیر ارشادمان اهل کلمه و کتاب است و فرهنگ و هنر را در سینما و رسالت یک وزیر ارشاد را در عکس گرفتن با ستاره‌های سینما خلاصه‌نمی‌کنم.

رویدادها

فرار از زندان واقعی در «فرار از درعا»

مستند «فرار از درعا» به ماجرای اسارت و فرار سیدعلی جعفری از رزمندگان مدافع حرم لشکر فاطمیون از چنگال تروریست‌های جبهه‌النصره اختصاص دارد. به گزارش تسنیم، مستند «فرار از درعا» که به ماجرای جذاب و واقعی تهیه نقشه فرار یکی از اسیران افغانستانی دربند جبهه‌النصره می‌پردازد، مراحل نهایی تولید خود را پشت سر گذاشته و بزودی برای پخش از شبکه‌های تلویزیون آماده می‌شود. علی بیطرفان، کارگردان این مستند گفت: داستان مستند «فرار از درعا» به ماجرای اسارت و فرار سیدعلی جعفری از رزمندگان مدافع حرم لشکر فاطمیون از چنگال تروریست‌های جبهه‌النصره اختصاص دارد و در آن با استفاده از بازسازی برخی صحنه‌ها و همچنین تصاویر آرشیوی تلاش کرده‌ایم حال و هوای این رزمنده و ایده‌هایی که برای رهایی از زندان داشته است را به نمایش بگذاریم. این کارگردان مستند ادامه داد: فرآیند تهیه نقشه فرار از زندان تروریست‌های سوریه، حدود ۶ ماه زمان می‌برد و این نقشه در نهایت موجب آزادی وی و بازگشت به کشور می‌شود. مستند ۴۲ دقیقه‌ای «فرار از درعا» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی علی بیطرفان، در مرکز رسانه‌ای عهد تولید شده و آماده پخش از رسانه ملی است.

■■■

معرفی دبیران جشنواره «نقالان علوی»

کورش زارعی، دبیران علمی و اجرایی دومین جشنواره سراسری نقالی و پرده‌خوانی «غدیر» (نقالان علوی) را منصوب کرد. به گزارش فارس، زارعی با صدور ۲ حکم جداگانه، داوود فتحعلی‌بیگی را به عنوان دبیر علمی و حسین عالم‌بخش را به سمت دبیر اجرایی دومین جشنواره سراسری نقالی و پرده‌خوانی «غدیر» (نقالان علوی) انتخاب کرد. گفتنی است داوود فتحعلی‌بیگی در دوره اول جشنواره نقالان علوی نیز به عنوان عضو شورای سیاستگذاری و هیات انتخاب آثار با دبیرخانه جشنواره همکاری داشت. همچنین حسین عالم‌بخش که در دوره اول این رویداد در سمت جانشین دبیر جشنواره فعالیت داشت، در این دوره حکم دبیر اجرایی را دریافت کرده است. دومین جشنواره سراسری نقالی و پرده‌خوانی «غدیر» (نقالان علوی) به همت مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری از ۱۳ تا ۱۷ شهریورماه در تهران برگزار می‌شود.

■■■

انتشار پوستر جایزه هنری قلب تهران

پوستر نخستین جایزه هنری قلب تهران با طراحی شاپور حاتمی منتشر شد. به گزارش فارس، شاپور حاتمی، طراح پوستر این جایزه گفت: این پوستر بر مبنای هنر ایرانی و فضای گل و مرغ اما با نگاهی امروزی و نو طراحی شده است. حاتمی افزود: موتیف‌های استفاده شده در پوستر با نگاهی مدرن به گل و مرغ و مینیاتورهای ایرانی طراحی شده است و برای طراحی این پوستر از طراحی‌های دوستم رضا لواسانی استفاده کردم. نخستین جایزه هنری قلب تهران را شهرداری منطقه ۱۲ تهران هفتم تا ۲۲ شهریورماه در نگارخانه موزه ملی ملک برگزار می‌کند. نخستین جایزه هنری قلب تهران به مناسبت دویست و سی‌امین سال پایتختی تهران شهریور ماه امسال برگزار می‌شود و هدف از این رویداد فرهنگی - هنری ایجاد انگیزه برای تولید معنا و مفهوم توسط علاقه‌مندان و هنرمندانی است که نسبت به موضوع شهر تاریخی تهران، شهرنشینی و ویژگی‌های این کلانشهر با تمرکز بر محدوده منطقه ۱۲ شهرداری گرایش دارند. آثار نهایی، حاصل کار هنرمندانی خواهد بود که از منظر رویکرد فردی خویش به ویژگی‌های منحصر به‌فرد روابط متقابل انسان و محیط شهری، جاذبه‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی تهران معاصر و آثار عهد ناصری خواهند پرداخت.

یادنامه

برای شهید حججی

ای تیغ عشق! از سر ما دست برمدار
درد سر است سر که نیفتد به پای یار
از نو رسیده است خبرهای داغ... آه
از نو رسیده است خبرهای داغدار
تو سر رسیده‌ای و ورق خورده سررسید
شد ابرویت هلال محرم در این دیار
آخر چگونه زیسته بودی که داده جان
جان دادنت به پیکر بی‌روح روزگار
آخر چگونه زیسته بودی که برده‌ای
از چنگ این زمانه چنین مرگ شاهوار
در چشم‌های حسرتیان خیره مانده‌ای
شرم از تو کشتمان، نگهت را نگاه‌دار
آتش زدی به جان جهانی، چه کرده‌ای
با آن نگاه نافذ آتش به اختیار!

محمدمهدی سیار